

حال پلنگ‌ها خوب نیست

مطالعه‌ای جدید نشان می‌دهد برخلاف باور پذیرفته‌شده
وضعیت پلنگ در جهان رو به وخامت است



پلنگ‌ها به‌خاطر مهارتشان در تطبیق‌پذیری و زنده‌ماندن در هر شرایطی شناخته می‌شوند؛ پیش‌فرضی که باعث شده است زیست‌شناسان و حفاظت‌گراها فرض کنند این حیوانات به‌طورنسبی در شرایط مناسبی به‌سر می‌برند. اما نتایج مطالعه‌ای که در ژورنال تخصصی PeerJ که یک ژورنال دسترسی آزاد و داوری هم‌تراز در زیست‌شناسی و علوم پزشکی است، منتشر شده است، نشان می‌دهد پلنگ‌ها از سال ۱۷۵۰، یعنی پیش از انقلاب صنعتی تا به حال تقریباً ۷۵ درصد زیستگاهشان را از دست داده‌اند. در آن زمان پلنگ‌ها در ۳۵ میلیون کیلومتر مربع از زیستگاه‌هایشان در آفریقا، خاورمیانه و آسیا حضور داشتند، اما این مطالعه نشان می‌دهد این میزان در حال حاضر به ۸/۵ میلیون کیلومتر مربع کاهش یافته است. این مطالعه از سوی ۱۴ متخصص به‌نمابندگی از ۱۵ دانشگاه و موسسه از جمله انجمن جانورشناسی لندن، انجمن حفاظت حیات وحش، انجمن یوز ایرانی، نشنال جئوگرافیک و موسسه پانتر انجام شده است. این مطالعه برای اولین بار به‌منظور مطالعه وضعیت پلنگ در سطح جهانی و برای هر ۹ زیرگونه پلنگ انجام شده است و ستایش محققان را به‌دلیل دامنه وسیع تحقیقات و جزئیات فراوانش برانگیخته است.

عبورومرور بین این مناطق برای پلنگ در نظر گرفته شود تا این موجودات بتوانند بین این مناطق رفت‌وآمد کنند، موضوعی که به بقای این حیوان کمک خواهد کرد. دکتر استین، از گروه متخصصان گربه‌سانان IUCN، می‌گوید ابزارهایی که طی ۱۰ سال گذشته پدید آمده‌اند، نحوه نگرش و ردیابی این گربه‌سان پنهان‌کار را تغییر داده است: «روش‌های جدید در توانایی ما برای به‌دست‌آوردن اطلاعاتی درباره این‌گونه، انقلابی ایجاد کرده است». باین‌حال محققان هنوز هیچ تحقیق قابل‌اعتمادی از بزرگی جمعیت پلنگ در جهان ندارند و این مطالعه برای چنین تخمینی تلاشی نکرده است. باین‌حال زیست‌شناسان حیات‌وحش کماکان تعداد پلنگ‌ها را بسیار بیشتر و از دو همتای بزرگ دیگرشان یعنی شیر و ببر برآورد می‌کنند. فیلیپ هنشل، جست‌وجوگر برنامه شیر موسسه پانتر، می‌گوید: «بزرگ‌ترین تهدید در مقیاس جهانی برای پلنگ‌ها کم‌توجهی و اطلاعات کم درباره آن‌هاست.» او ادامه می‌دهد: «هیچ‌کس واقعاً اهمیتی برای پلنگ‌ها قائل نیست چون فرض بر این است که جمعیت آن‌ها زیاد و گسترده است.» این بی‌توجهی حتی در تحقیقات علمی هم دیده می‌شود، از ۳۳۰ مقاله‌ای که بین‌های سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ نوشته شده است، ۶۵ درصد آن‌ها مربوط به دو زیرگونه است، سه زیرگونه تنها پنج مقاله تحقیقی را به خودشان اختصاص داده‌اند. دکتر هنشل می‌گوید: «سه زیرگونه‌ای که در لبه مرز انقراض هستند احتمالاً تا پنج سال آینده برای همیشه از طبیعت محو می‌شوند.»

و ۳۰۰ منبع استفاده کردند. نتیجه نشان داد زیستگاه پلنگ‌ها در مجموع چیزی بین ۶۳ تا ۷۵ درصد آب رفته است، اما مسئله وخیم‌تر این است که از بین ۹ زیرگونه فقط سه زیرگونه ۹۷ درصد از زیستگاه‌های فعلی پلنگ را اشغال کرده‌اند. سه زیرگونه پلنگ عربی، پلنگ شمال چین و پلنگ آمور فقط ۲ درصد زیستگاه‌ها تاریخی‌شان را در اختیار دارند.

کم‌توجهی به پلنگ

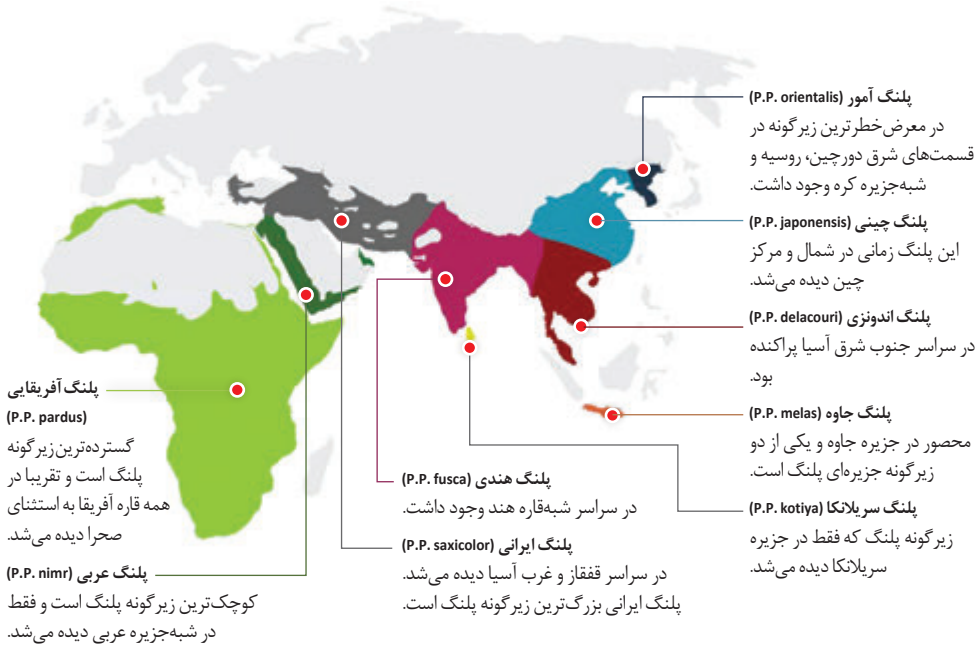
در بخش‌های عمده‌ای از آسیا شامل جنوب شرق آسیا و خاورمیانه پلنگ تقریباً ناپدید شده است و فقط ۱۷ درصد از زیستگاه‌های این گربه‌سان بزرگ در این منطقه حفاظت شده است. حتی در مناطقی که پلنگ هنوز تقریباً حضور گسترده‌ای دارد، زیستگاه‌های آن‌ها به‌وسیله فعالیت‌های انسانی به قطعات جدا و کوچک‌تری تقسیم شده است. این موضوع به نوشته محققان برای این چند زیرگونه که فقط چندتکه زیستگاه در اختیار دارند، وضعیت چندان مناسبی نیست. این بررسی در مجموع می‌گوید باید چندین منطقه بزرگ حفاظت‌شده و مسیریهای

پلنگ در حال حاضر در لیست قرمز IUCN یا اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت با داشتن سه زیرگونه در لبه مرز انقراض و دو زیرگونه در خطر انقراض به‌عنوان گونه در نزدیکی تهدید (Near threatened) طبقه‌بندی شده است. باین‌حال اندرو بی استین، یکی از نویسندگان مقاله و عضو متخصصان گربه‌سانان IUCN، معتقد است که متخصصان گربه‌سانان این اتحادیه تاحدی براساس نتایج این مطالعه والته عوامل دیگر پیشنهاد می‌کنند رده حفاظتی پلنگ به‌طور کلی به آسیب‌پذیر (Vulnerable) تغییر کند، این رده به این معناست که پلنگ به تلاش‌های حفاظتی بسیار قوی نیاز دارد. لوک هانتز، رییس و افسر حفاظت موسسه پانتر، می‌گوید این مطالعه این موضوع را روشن می‌کند که بسیاری از گونه‌های شاخص حیات‌وحش جهان به‌زودی منقرض خواهند شد: «مسیر آن‌ها یکسان است، شیرها و ببرها زودتر از پلنگ‌ها ناپدید می‌شوند، اما روند برای پلنگ‌ها هم به همان صورت است.» درست مانند شیرها، پلنگ‌ها هم از سوی فعالیت‌های انسانی تهدید می‌شوند، فعالیت‌هایی مانند تخریب زیستگاه، شکار شدن طعمه‌هایی که پلنگ برای حیاتش به آن‌ها وابسته است توسط انسان، کشتن انتقام‌جویانه به‌دست گله‌داران، تجارت غیرقانونی پوست و اعضای پلنگ و شکار تروفه (Trophy hunting). شکار تروفه به معنی شکار حیوانات آزاد در حیات وحش با هدف بازی و کسب افتخار است. محققان برای تهیه نقشه قبلی و فعلی زیستگاه پلنگ‌ها از ۶ هزار داده ثبت‌شده از ۲ هزار و ۵۰۰ نقطه و هزار

زیستگاه پلنگ‌ها در مجموع چیزی بین ۶۳ تا ۷۵ درصد کوچک شده، اما مسئله وخیم‌تر این است که از بین ۹ زیرگونه فقط سه زیرگونه ۹۷ درصد از زیستگاه‌های فعلی پلنگ را اشغال کرده‌اند

در سراسر جهان پلنگ‌ها (Panthera pardus) تا ۷۵ درصد زیستگاه‌هایشان را از دست داده‌اند

گسترش تاریخی زیرگونه‌های پلنگ



زیستگاه باقیمانده بر اساس زیرگونه‌ها



زیستگاه فعلی

۶ زیرگونه فقط ۳ درصد زیستگاه فعلی را در اختیار دارند

نیازمند توجه تحقیقاتی

از مطالعات به سه زیرگونه‌ای توجه می‌کند که تقریباً ۹۸ درصد زیستگاهشان را از دست داده‌اند

مطالعات منحصر به سه زیرگونه‌ای است که ۹۷ درصد زیستگاه‌های فعلی را در اختیار دارند

کمترین توجه به برخی از زیرگونه‌های در لبه مرز به انقراض پلنگ منجر می‌شود.

محمد صادق فرهادی‌نیا
در حال انجام مراحل
نصب گردنبند ماهوارهای
روی یکی از پلنگ‌های
پروژه



چیزهای کمی از پلنگ ایرانی می‌دانیم

ضعف تجهیزات و مطالعات سیستماتیک دقیق وضعیت حفاظتی
و تعداد پلنگ ایرانی را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است

● در مقاله‌ای که با همکاری شما نوشته شده، آمده است که پلنگ‌ها تقریباً دو سوم زیستگاهشان را نسبت به دوران قبل از انقلاب صنعتی از دست داده‌اند. این متوسط برای کل جهان ذکر شده بود. در ایران وضعیت زیستگاهی این گونه چطور است؟ اصلاً اطلاعات تاریخی مناسبی داریم که بتوانیم وضعیت زیستگاه این گونه را نسبت به گذشته حدس بزنیم؟

در واقع اطلاعات تاریخی ما خیلی کامل نیست و به این بازمی‌گردد که مثلاً افراد مسن می‌گویند ما اینجا پلنگ دیده‌ایم یا در مناطقی سابقه دیده شدن پلنگ به کرات ذکر شده است. در میانگین جهانی پلنگ چیزی بین ۶۵ تا ۷۵ درصد محدوده زیستی سابقش را از دست داده است، اما وقتی روی زیرگونه‌هایی مثل پلنگ ایرانی در غرب آسیا که از افغانستان و ترکمنستان و بخش عمده‌ای از ایران و کمی از عراق و قفقاز و ترکیه پراکندگی دارد، متمرکز می‌شویم درمی‌یابیم که این از دست رفتن زیستگاه تقریباً ۸۵ درصد است.

بخشی از مقاله‌ای که در قسمت قبل درباره‌اش نوشتیم به وضعیت زیرگونه پلنگ ایرانی *Panthera pardus saxicolor* می‌پردازد و با همکاری محمدصادق فرهادی‌نیا و همکاری در پروژه پلنگ ایرانی که از سوی انجمن یوز ایرانی و واحد تحقیقات حفاظت حیات وحش دانشگاه آکسفورد در پارک ملی تندوره اجرا می‌شود، به نگارش درآمده است. این پروژه در شمال شرقی ایران و از سال ۱۳۹۲ کار خود را آغاز کرده و تلاش می‌کند تا پرسش‌های جدی درباره زیست‌شناسی و رفتار پلنگ ایرانی را در برخی از مناطق حفاظت شده، به خصوص پارک ملی تندوره پاسخ دهد. با همکاری اداره کل حفاظت محیط‌زیست خراسان رضوی، در این پروژه از پیشرفته‌ترین ابزار و فناوری موجود در دنیا بهره گرفته شده و تا به حال پنج پلنگ در این مدت زنده‌گیری و مجهز به ردیاب ماهوارهای شده‌اند. محمدصادق فرهادی‌نیا، مدیر این پروژه، در حال انجام پایان‌نامه دکتری‌اش در رشته جانورشناسی در دانشگاه آکسفورد است. به همین مناسبت با او درباره این مطالعه و همین‌طور وضعیت پلنگ ایرانی، آنچه درباره‌اش می‌دانیم و راه کارهای حفاظت از بزرگ‌ترین زیرگونه پلنگ در جهان گفت‌وگویی داشتیم:

● **در خود ایران وضعیت چطور است؟**
برای ایران عددی محاسبه نکردیم، چون این پژوهش برای زیرگونه بوده و زیرگونه فراتر از سطح ایران است، اما به نظر می‌رسد ایران وضعیتش بهتر است، شاید بتوان گفت نامن‌ترین محدوده پلنگ در دنیا از لحاظ تعارض‌های نظامی و نبود ثبات سیاسی همین محدوده پلنگ ایرانی در غرب آسیاست.

● **در مقاله شما دسته‌بندی‌هایی از منظر طبقات IUCN یا اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت بر برخی زیرگونه‌های پلنگ اعمال شده است. از نظر این دسته‌بندی‌ها وضعیت زیرگونه‌های مختلف پلنگ چطور است؟**

از نظر IUCN در حال حاضر سه زیرگونه پلنگ در آستانه انقراض (Critically Endangered) قرار دارند. یکی زیرگونه پلنگ عربی است که شاید ۲۰۰ عدد از آن‌ها در طبیعت باقی مانده باشند، بخش عمده جمعیت این زیرگونه در یمن است که آنجا هم جنگ است. بعد پلنگ آمور در محدوده مرکزی کره شمالی و چین و روسیه است که شاید کمتر از ۶۰ عدد از آن‌ها باقی مانده باشند و زیرگونه درآستانه انقراض هم پلنگ جاوه است که کمتر از ۲۵۰ عدد از آن‌ها در طبیعت باقی مانده‌اند.

دسته‌بندی دیگر در معرض خطر (Endangered) است که یکی از این در معرض خطر‌ها پلنگ ایرانی است و جمعیتی که از آن برآورد می‌شود و به‌طور رسمی گفته شده است چیزی حدود ۵۵۰ تا ۸۵۰ عدد است، اما واقعا دقیق نمی‌دانیم تعداد پلنگ ایرانی چقدر است و این یکی از بزرگ‌ترین مشکلات است، یعنی هیچ توافقی درباره جمعیت پلنگ در ایران وجود ندارد. این یکی از پایه‌ای‌ترین سوالاتی است که باید درباره یک گونه پرسیده شود و جوابی داشته باشد. در مقاله‌ای که ما بخشی از آن را کار کرده‌ایم سعی شده است به سوالاتی پایه‌ای تر نظیر اینکه «کجا بوده؟ کجا هست؟ و چقدر زیستگاهش تغییر کرده است؟» پاسخ داده شود. اما سوال مهم‌تر کماکان این است که ما واقعا چند تا پلنگ داریم؟

بر اساس آمار می‌دانیم در ایران هفته‌ای یک پلنگ کشته می‌شود، یعنی سالی حدود ۵۰ پلنگ. با در نظر گرفتن تعداد ۵۵۰ تا ۸۵۰ پلنگ در مقیاس ملی، تاکید می‌کنم در مقیاس

ملی، ۵۰ تا ۸۵۰ تارقمی نیست که حیوان را به انقراض بکشاند.

● **یعنی ۵۰ تا از ۸۵۰ تهدید محسوب نمی‌شود؟**

تهدید هست، ولی نه خیلی جدی و در سطح ملی. بنابراین باز هم این سوال مطرح می‌شود که ما واقعا سالانه چه تعداد پلنگ از چه تعداد کل جمعیت را از دست می‌دهیم. شما در نظر بگیرید واقعا ممکن است جمعیت پلنگ ما چیزی حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ عدد باشد. آن وقت ۵۰ تارقم بسیار بزرگی است و جمعیت را به‌سوی انقراض می‌کشاند. مسئله دیگر هم این است که تعداد پلنگ‌های از دست‌رفته در کل ایران به‌صورت همگن نیست و اگر در محدوده‌ای بیش از ۱۵ درصد از بین برود، طبیعتا جای نگرانی جدی برای آن محدوده وجود خواهد داشت.

● **از دست رفتن جمعیت پلنگ در کدام مناطق بیشتر دیده می‌شود؟**

طبیعتا جایی که بیشتر پلنگ دارد. در حال حاضر حدود ۹۰ درصد تلفات پلنگ در جایی است که برآورد می‌شود حدود ۶۰ درصد جمعیت پلنگ را میزبانی می‌کند؛ جاهایی مانند حوزه خراسان، زاگرس و البرز. البته یک تفاوت جالب در این میان وجود دارد، ما در حوزه خراسان عمده تلفاتمان نرهای جوان و نرهای پیر هستند، در حالی که در البرز و زاگرس به کرات توله و ماده بالغ از دست می‌دهیم.

● **دلیل این مسئله به حفاظت بازمی‌گردد؟**
بله؛ این تفاوت سیستماتیک نشان می‌دهد

در حوزه خراسان پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده تا حد بسیاری عملکرد و کارایی مناسبی دارند. دلیلش هم این است که پلنگ حیوان قلمروطلبی است و نرهای جوان و پیر مجبورند از قلمروی نرهای بالغ قدرتمند خارج

شوند. وقتی از این مناطق بیرون می‌آیند طبیعتا انسان و جاده و معدن و هزاران گرفتاری دیگر باعث مرگ حیوان می‌شود، اما آن بخش زیادی جمعیت همچنان امن است، چون داخل پارک ملی قرار دارد که با وجود همه کمبودها همچنان کارکرد نسبتا خوبی دارد، ولی وقتی در حوزه زاگرس یا شمال ماده بالغ از دست می‌دهیم یعنی پارک ملی‌ها کارشان را درست انجام نمی‌دهند. معمولا ماده برای زادوولد به بهترین، امن‌ترین و پرطمه‌ترین منطقه می‌رود که متاسفانه شکارچی‌ها به آنجا راه یافته‌اند.

● **در کدام مناطق ایران جمعیت پایدار و زایای جمعیت وجود دارد؟**

یکی از مسائل بسیار مهم این است که اساسا چه تعریفی از جمعیت داریم. یعنی جمعیت مستقلی که خودش زایا و پایدار است و طبیعتا گاهی برایش مرزهای جغرافیایی در نظر می‌گیریم تا استقلالش را به‌نوعی تعریف کنیم، این مشکل را سال‌ها برای یوز پلنگ داشتیم و تصور می‌کردیم یوز پلنگ سه جمعیت اصلی در ایران دارد، اما بعد مشخص شد نمی‌توانیم یوزهایی که در ایران طی پنج سال گذشته شناسایی شدند بین دو تا پنج منطقه حفاظت‌شده را طی کرده‌اند.

● **یعنی مشخص شد یوز در ایران یک زیستگاه دارد نه سه زیستگاه؟**

دقیقا حالا این اتفاق برای پلنگ هم افتاده و یکی از پلنگ‌هایی که ما به آن ریداب ماهواره‌ای متصل کردیم تا به حال ۶ منطقه حفاظت‌شده در ایران و ترکمنستان را طی کرده است که امکان دارد این تصور را به‌وجود بیاورد که تعداد زیادی پلنگ داریم در حالی که ممکن است این‌ها پلنگ‌هایی باشند که در مناطق مختلف جابه‌جا می‌شوند. بیشتر مطالعات درباره پلنگ در ایران در مناطق پراکنده مرکزی مانند بوم شیراز و بافق و کرمان. یا در نواحی شمال شرقی ایران مانند گلستان یا تندوره بوده است و درباره سایر مناطق اطلاعاتی در دست نیست.

● **چه اتفاقی باید بیفتد تا جمعیت این گونه‌های ارزشمند شناسایی شود، چون ظاهرا این مشکل حتی در مورد یوز پلنگ که در موردش خیلی جدی‌تر کار می‌شود هم وجود دارد. لازمه این شناسایی چیست؟**

ما مهم‌ترین ابزاری که برای شناسایی



بر اساس آمار در ایران هفته‌ای یک پلنگ کشته می‌شود، یعنی سالی حدود ۵۰ پلنگ. با در نظر گرفتن تعداد ۵۵۰ تا ۸۵۰ پلنگ در مقیاس ملی، ۵۰ تا از ۸۵۰ تارقمی نیست که حیوان را به انقراض بکشاند



تصویری از یک نمونه پلنگ ایرانی که با دوربین تله‌ای ثبت شده است

را دیدیم که از فاصله ۱۰ متری لاشه و آثارش روی زمین گذشت و متوجه لاشه نشد، چرا؟ چون متوجه شدیم پلنگ بویایی بسیار ضعیفی دارد و این حیوان یک شکارچی تیزبین است نه شکارچی بویا. ما در این یک سال بهبوده تلاش کردیم، درحالی که باید لاشه را آویزان می‌کردیم. این ماجرا به ما نشان داد هیچ چیز از پلنگ نمی‌دانیم.

● یک مورد دیگر در مقاله شما این است که بخش عمده‌ای از جمعیت پلنگ‌ها به‌خاطر از دست دادن زیستگاه‌شان از بین رفته‌اند. عددورقم این موضوع مشخص است؟ یعنی می‌دانیم قبل از انقلاب صنعتی چه تعداد پلنگ داشتیم و حالا چه تعداد پلنگ وجود دارد؟

نه؛ هیچ چیز نمی‌دانیم. یکی از روش‌ها این است که تخمین بزنیم قبلاً چقدر بوده‌اند. مساحت زیستگاه‌های قدیمی را دریاوریم و در تراکم پلنگ در زیستگاه ضرب کنیم، اما یک مسئله در اینجا این است که در خاورمیانه تراکم پلنگ در واحد سطح به‌شدت پایین‌تر از باقی نقاط دنیاست. در منطقه بافق بزد که برطعمه است، به تراکم ۱/۵ فرد در هر ۱۰۰ کیلومترمربع رسیدیم. شما در بوتسوانا یا هند تراکمی در حد ۱۵ فرد در همین مساحت را دارید.

● این امر به‌خاطر کم‌تر بودن طعمه نیست؟ مسئله این است که ما در اکوسیستمی زندگی می‌کنیم که کم‌تولیدتر از مناطق دیگر است، مثلاً در هند بین خانه‌های مردم تراکم پلنگ چهار تا پنج پلنگ در هر ۱۰۰ کیلومترمربع است، این عدد معادل

پلنگ یک موجود پنهان‌کار است و ما آن را نمی‌بینیم و وقتی دیده نمی‌شود مجبوریم در موردش دست‌به‌دامن حدس و تخیل شویم، این بزرگ‌ترین آفت حفاظت از حیات‌وحش است. درحقیقت فقط سه منبع اطلاعاتی قابل اتکا وجود دارد که می‌شود براساس آن در مورد حیواناتی مانند پلنگ و بوزپلنگ که دیده نمی‌شوند صحبت کرد. این سه منبع یا دوربین تله‌ای است، یا اطلاعات ژنتیکی‌ای که از سرگین این حیوانات استخراج می‌شود یا نصب ردیاب که از همه مهم‌تر، سخت‌تر و پرهزینه‌تر است. برای شناسایی حیوانات و مشخص شدن این حدودرها و اشتراکات و رفتار حیوان هیچ‌راهی به‌جز ردیاب وجود ندارد. اصلاً بدون این ردیاب‌ها شناسایی رفتار و زیستگاه این حیوانات یک شوخی بزرگ است. من شخصا به‌عنوان کسی که ۱۵ سال است به‌دنبال گریه‌های بزرگ این سرزمین بوده‌ام، معتقدم چیزی که در این دو سال پس از نصب ردیاب فهمیده‌ایم با اطلاعات قبلی مقایسه‌شدنی نیست و یک دنیا متفاوت است. بگذارید مثال ساده‌ای برایتان بزنم؛ ما در این دو سال حدود ۶ پلنگ را سالم گرفتیم و به آن‌ها ردیاب نصب کردیم. در این پروژه به‌مدت یک سال، کل سیستم تله‌گذاری‌مان برای گرفتن پلنگ، درگیر مفهوم غلطی بود که از شکارچی‌های قدیمی به ما رسیده بود. آن‌ها به ما گفتند برای گرفتن پلنگ باید لاشه‌ای را در یک گونی بگذارید تا بگنجد و بعد روی زمین بکشیدش تا آثارش باقی بماند و بعد آن را گوشه‌ای بگذارید تا پلنگ به سراغش بیاید. بعد از یک سال پلنگی

جمعیت پلنگ داریم دوربین‌های تله‌ای است. با این وسیله عکس پلنگ‌ها گرفته می‌شود و از روی خال‌های منحصربه‌فردشان شناسایی می‌شوند. مسئله این است که ما دوران بسیار دشواری را به‌خاطر تحریم‌ها طی کردیم، چون این‌ها تجهیزاتی هستند که به‌سادگی به ایران وارد نمی‌شوند و با پنج دوربین نمی‌توان فهمید که در یک منطقه چند پلنگ زندگی می‌کند، ما برای هر منطقه حداقل ۴۰ تا ۵۰ دوربین نیاز داریم که هزینه بسیار زیادی است. هیچ‌وقت هم سازمان محیط‌زیست این سرمایه‌گذاری را انجام نداده است. برای موسسه‌های خصوصی هم خرید دوربینی به قیمت ۱۰۰ میلیون تومان که در نهایت درصدی از آن از بین می‌رود هزینه بالایی است. در حقیقت این سوالی است که سازمان محیط‌زیست باید به آن پاسخ دهد، زیرا مهم‌ترین شاخصی که نشان‌دهنده عملکرد یا کارکرد مثبت یا منفی‌اش بوده جمعیت حیوانات و روند کاهش یا افزایش آن است. اگر ندانیم جمعیت‌مان در مورد گونه‌های مختلف چقدر بوده و چقدر شده، چطور می‌خواهیم قضاوت کنیم که عملکردمان مثبت بوده یا نه؟

● پس شاید سازمان محیط‌زیست اصلاً تمایلی به مشخص شدن واقعی این تعداد نداشته باشد، چون در این وضعیت عملکردش همیشه در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند و نمی‌توان با دلایل واقعی عملکردش را نقد کرد.

نه؛ واقعا فکر نمی‌کنم این‌طور باشد، آن‌ها هم می‌خواهند بدانند، اما کار بسیار دشواری است. کاری که می‌شود کرد این است؛ ما حداقل در ۲۰۰ نقطه از ایران پلنگ داریم و چون نمی‌توانیم همه‌جا را دوربین‌گذاری کنیم و محدودیت‌های فنی هم وجود دارد، پس حداقل ۱۰ تا ۱۵ منطقه را به‌عنوان منبع سرشماری کنیم، مثل مناطقی که در آن از زایابودن جمعیت پلنگ مطمئن هستیم. می‌توانیم این مناطق را به‌صورت دوره‌ای پایش کنیم تا حداقل بدانیم پلنگ در برخی جاها حالش خوب است.

● همان‌طور که گفتید پلنگ را نمی‌توان محدود به منطقه خاصی دانست، در چنین مطالعه‌ای سرشماری‌ای نباید این اشتراکات زیستگاهی در نظر گرفته شود؟ دقیقاً باید در نظر گرفته شود. ببینید

یا سگ یا پلنگ

حذف سگ‌های ولگرد از زیستگاه پلنگ سایه یک تهدید جدی را از سر بزرگ‌ترین گربه‌سان ایران دور می‌کند

در گفت‌وگویی که با محمدصادق فرهادی‌نیا داشتیم به این موضوع اشاره شد که یکی از پلنگ‌هایی که در پروژه پلنگ تندوره با گردن بند تحت‌نظر بوده حدود ۱۵ سگ ولگرد را به‌عنوان طعمه شکار کرده و عادت شکار سگ در دیگر پلنگ‌ها هم دیده شده است. این موضوع نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است، زیرا سگ‌ها حامل ویروسی هستند که برای گربه‌سانان بزرگ بسیار مرگبار است. برای آگاهی بیشتر درباره این موضوع به‌سراغ دکتر ایمان معماریان رفتیم. او دامپزشک حیات‌وحش، دامپزشک ارشد باغ‌وحش تهران و مرکز بازپروری پردیسان و همکار پروژه پلنگ تندوره است که مطالعاتی درباره خطرات سگ‌های ولگرد برای گربه‌سانان بزرگ ایران در غالب پروژه پلنگ تندوره انجام داده است.

حیات‌وحش آسیب می‌زنند. در کنار این‌ها مشکل بزرگ‌تری ایجاد می‌کنند و آن بیماری‌های مختلفی است که سگ‌ها می‌توانند عامل انتشار آن بین گربه‌سانان بزرگ باشند. یکی از این بیماری‌ها دیستمپر (Distemper) است. عامل این بیماری ویروسی است به‌نام Canine distemper virus متعلق به خانواده Paramyxovir-۱ که همان خانوادگی است که ویروس‌های عامل بیماری‌های سرخک و اوربون انسانی هم در آن دسته قرار دارند. ابتدا تصور می‌شد این بیماری فقط مختص سگ‌های جوان است که علائم تنفسی، عصبی و گوارشی ایجاد می‌کند و ویروس‌کشنده‌ای است.

اما گذشت زمان نشان داد این ویروس فقط مختص سگ‌سانان نیست و در حیات‌وحش هم مشکلاتی ایجاد می‌کند. در سال ۲۰۰۰ این ویروس را از گربه‌سانان بزرگ جدا کردند. این ویروس باعث تلفات بسیار زیادی در شیرهای آفریقای شرقی و سرنگیتی و در

شما درباره نقش سگ‌های ولگرد در به‌خطر افتادن بقای پلنگ در محدوده زیستگاهی پلنگ در شمال شرق ایران تحقیقی انجام دادید. چرا به فکر انجام این تحقیق افتادید و نتیجه تحقیق چه بود؟

به‌طور کلی سگ‌های ولگرد در محیط‌های مختلف عضلات متفاوتی ایجاد می‌کند. در مورد زیستگاه‌های حیات‌وحش مسئله اصلی این است که سگ‌ها متعلق به این محیط‌ها نبودند و ما انسان‌ها به‌دلایل مختلف آن‌ها را وارد این محیط‌ها کرده‌ایم. این حضور مشکلاتی نظیر انتشار بیماری‌های مختلف یا لطمه مستقیم به جمعیت حیات‌وحش ایجاد می‌کند. لطمه مستقیم مثل کشته‌شدن یوز پلنگ‌ها از سوی سگ‌های چوپانی است که تا به حال باعث تلفات فراوانی در جمعیت محدود یوز ایرانی شده است. در مورد نشخوارکننده‌ها و علف‌خواران وحشی هم دیده شده است که با تشکیل گله اقدام به شکار می‌کنند و به جمعیت

دوبرابر تراکم پلنگ در پارک ملی گلستان است. درحقیقت این موضوعات به ما نشان می‌دهد هرچند این گونه پراکنش گسترده‌ای دارد، اما در هر جا مانند گونه‌های متفاوت رفتار می‌کند و نمی‌توانیم آن چیزی را که در هند یا آفریقا درباره پلنگ به دست آمده است، در مورد کشورمان هم درست فرض کنیم. این یکی از چالش‌های ما با سازمان محیط‌زیست برای اخذ مجوز برای زنده‌گیری پلنگ بود؛ آن‌ها می‌گفتند برای چه می‌خواهید این کارها را انجام دهید، ما هم می‌گفتیم اصلاً مهم نیست که صدها مقاله درباره پلنگ چاپ شده است، درباره ایران چه می‌دانیم؟

● در مقاله شما آمده در حال حاضر به‌صورت رسمی و قانونی ۱۷ درصد زیستگاه پلنگ در جهان حفاظت شده است. این رقم در مورد ایران چقدر است؟ این رقم در مورد ایران بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است، اما موضوع اصلی این است که پلنگ بیشتر حیوانی کوه‌زی است و کوه محل تامین آب است. طبیعتاً هر جا آب باشد برای انسان هم بسیار مهم است، بنابراین عملاً این امکان وجود ندارد که هر جا پلنگ هست حفاظت‌شده اعلام شود و لزومی ندارد همه مناطقی که پلنگ دارند، پارک ملی باشد. پلنگ می‌تواند نزدیک انسان زندگی کند، مسئله این است که مردم پلنگ را نکشند.

● یعنی برای حفاظت از پلنگ باید تعارضات را از بین برد.

بله؛ چون هر روز فشار بر منابع طبیعی بیشتر می‌شود و باید بتوانیم همین چیزی را که امروز باقی مانده است حفظ کنیم. بنابراین ما نباید همه چیز را تسلیم کنیم، یعنی باید تعدادی از مناطق اصلی را حفظ کنیم و به‌دور از دسترس انسان و بکر نگهشان داریم. چند عامل در تعریف این مناطق مهم هستند. به‌عنوان نمونه، دگرگونی‌های ژنتیکی. یعنی اگر جایی تنوع ژنتیکی متفاوتی دارد حتماً باید حفظ شود از آنجاکه تنوع ژنتیکی بسیار مهم است اکثر مناطقی که تنوع ژنتیکی بالایی دارند امروزه به مناطق حفاظت‌شده و پارک ملی‌ها تبدیل شده‌اند اما اگر این تنوع ژنتیکی هنوز در مناطق حفاظت‌شده قرار ندارد نباید از آن ناامید شد. پلنگ می‌تواند آن‌جا هم زندگی کند و ایجاد مناطق حفاظت‌شده تنها مکانیزم حفظ پلنگ نیست.

مخصوص این ویروس در ایران انجام می‌شود؟
متاسفانه در ایران برای مناطق مهم و زیستگاه‌های حیات وحش خیر. این یکی از بیماری‌ها و مشکلاتی است که سگ‌ها انتقال می‌دهند. ما در حال حاضر بیشتر از ۱۰ مورد در پارک ملی خجیر، سرخه حصار و ورچین نمونه‌های قوچ و میش و کل و بز داشتیم که به بیماری *Coenurosis* و مخصوصاً *Coenurosis serialis* مبتلا بودند، این یک بیماری انگلی است که در مغز نشخوارکنندگان کیست تشکیل می‌دهد و اولین گزارشش را حدود هشت یا ۹ سال پیش داشتیم، اما الان بیشتر از ۱۰ مورد با نشخوارکنندگانی روبه‌رو شدیم که به دلایلی زمین‌گیر شده و توان حرکتی نداشتند. این حیوانات به مرکز بازپروری پردیسان منتقل شدند و متوجه شدیم دچار این بیماری هستند. این هم بیماری‌ای است که سگ‌ها ناقل آن هستند و به‌علت وجود تعداد زیاد سگ در این مناطق رخ می‌دهد. این‌ها تنها دو نمونه است و سگ‌ها می‌توانند بیماری‌های مختلفی را به حیات وحش منتقل کنند که گونه‌های مختلف حیات وحش به آن‌ها بسیار حساس هستند. در نتیجه نباید در زیستگاه‌های حیات وحش سگی وجود داشته باشد.

دکتر ایمان معماریان در حال بررسی وضعیت پلنگ بیهوش شده در پروژه

هرچند ما به عوامل خطر متعددی برای انقراض پلنگ فکر می‌کنیم، اما شاید تا به حال به این عامل فکر نکرده بودیم و اگر حتی حفاظت هم به‌درستی انجام شود این عامل خطر می‌تواند با وجود همه تمهیدات مثبت باعث انقراض پلنگ ایرانی شود.

● راه‌حل این مسئله چیست؟

در زیستگاه‌های حیات وحش سگ‌های بدون صاحب باید حذف شوند، سگ‌هایی هم که صاحب دارند باید تا جای ممکن از زیستگاه دور نگاه داشته شوند و به‌طور مرتب پایش شده و واکسینه شوند. این مسئله درست مثل ماجرای دام‌های اهلی است، یعنی همان‌قدر که دام‌های اهلی برای نشخوارکنندگان کوچک خطر بیماری‌های مختلفی مثل طاعون نشخوارکنندگان کوچک و تب برفکی دارند، سگ‌های گله حتی با صاحبشان نباید وارد زیستگاه حیات وحش شوند. علاوه بر این سگ‌های اهلی‌ای که صاحب دارند، باید سالیانه علیه این ویروس واکسینه بشوند.

● آیا در حال حاضر واکسیناسیون

ببرهای سیبری شد. عامل اصلی ناقل بیماری سگ‌های ولگرد هستند، سگ‌های جوان تر معمولاً با درگیری تلف می‌شوند و آن‌هایی که زنده می‌مانند به‌عنوان ناقل ویروس باقی می‌مانند. البته این ویروس، ویروس چندان مقاومی نیست و خارج از بدن میزبان مدت زمان زیادی فعال نمی‌ماند ولی گربه‌سانان بزرگ مانند پلنگ‌ها سگ را شکار می‌کنند و این اتفاق می‌تواند به‌راحتی بیماری را به آن‌ها انتقال دهد که برای گربه‌سانان بزرگ بسیار کشنده است. گفته می‌شود جمعیت‌هایی که در یک نقطه زیر ۲۰ عدد هستند، به احتمال ۶۰ درصد می‌توانند بر اثر این بیماری منقرض شوند. این بیماری در گربه‌سانان بزرگ علائمی شبیه بیماری هاری خاموش ایجاد می‌کند و حیوان کاملاً آرام می‌شود.

● نتایج تحقیق شما در مورد شیوع این بیماری در ایران چه بود و چه کاری انجام دادید؟

کاری که ما انجام دادیم برای یافتن شیوع بیماری بود. متاسفانه مشخص شد میزان خطر برای پلنگ‌ها بسیار بالاست. ما از سگ‌های ولگرد و گله‌ای که در نزدیکی زیستگاه پلنگ در اطراف پارک ملی تندوره بودند نمونه‌گیری کردیم.

● از چند سگ نمونه‌گیری شد و نتیجه‌اش چه بود؟

از ۸۸ سگ نمونه‌گیری شد و این نمونه‌ها با دو کیت ای‌بی‌زی مختلف IGM و IGG که آنتی‌بادی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت را در بدن حیوان نشان می‌دهد آزمایش شد. نتیجه برای آنتی‌بادی‌های بلندمدت ۴۶ درصد و کوتاه‌مدت ۸۸ درصد بود که درصد آلودگی بسیار بالایی است.

